



## یکسال و سه ماه و دوازده روز در غزه

روزهای تیره و سخت را باید شمرد و به خاطر سپرد، بمباران، پرواز هواپیمایی‌های جنگنده، صدای انفجار، ویرانی، شلیک بی‌وقفه گلوله، تانک، آوار، فریاد، خون، مرگ. روزهای فریاد دلخراش مادران کودکان از دست داده، مادر بزرگان و پدر بزرگانی که در کنار عزیزان خود در سکوت جهان "متمدن" سرمایه‌داران دسته‌جمعی قتل‌عام شدند.

این یکسال و سه ماه و دوازده روز، روزهای مقاومت و مبارزه مردم ستمدیده فلسطین برای

در صفحه ۳

یکشنبه ۱۹ ژانویه (۳۰ دی) از صبح همه در انتظار اعلام آتش‌بس بودند، اما انتظار ادامه داشت و عقربه‌های ساعت به کندی حرکت می‌کردند. به بهانه‌ی عدم اعلام نام سه گروهان اسرائیلی، نتانیاهو به ارتش فرمان حمله به شمال و مرکز غزه را داد تا باز بگشند و ۱۹ فلسطینی تنها به خاطر تاخیر چند ساعته در اعلام اسامی سه گروهان کشته شدند. تا در نهایت با اعلام نام سه گروهان، انتظار به پایان رسید و قرار شد غزه حداقل برای مدتی روی آرامش را ببیند.

یکسال و سه ماه و دوازده روز، همه‌ی این

## تشدید جدال بر سر مذاکره با آمریکا

موضوع مذاکره با آمریکا، قصه دور و درازی است که از دیرباز یکی از مسائل جدال برانگیز فی مابین جمهوری اسلامی با دولت آمریکا بوده است. معضلی که با تسخیر سفارت آمریکا در سیزده آبان ۱۳۵۸ کلید خورد و از آن زمان تا امروز به امری لاینحل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

هائمی رفسنجانی از جمله کسانی بود که پیش از مرگ خمینی خواستار مذاکره و رفع «کدورت» با دولت آمریکا شد. او در ماه‌های پایانی عمر خمینی به صراحت اعلام کرد، اگر در زمان حیات «امام» نتوانیم با آمریکا مصالحه کنیم، این امر در دوران پس از او به معضلی لاینحل برای ما و جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

خمینی مُرد و با قدرت‌گیری خامنه‌ای، موضوع برقراری رابطه با آمریکا و رفع «دشمنی» با دولت این کشور به خطوط قرمز خامنه‌ای در دوران ۲۷ ساله رهبری بلامنزاع او تبدیل شد. موضوعی که طرح مکرر آن توسط رؤسای جمهوری در کابینه‌های مختلف جمهوری اسلامی، علاوه بر مخالفت شدید خامنه‌ای، هر بار به ایجاد تنش و تشدید نزاع در میان جناح‌های رنگارنگ حاکمیت نیز منجر شده است.

حال با چنین پیشینه‌ی جدال برانگیزی بر سر موضوع مذاکره و ایجاد رابطه با آمریکا، مسعود پزشکیان طی گفت‌وگویی با شبکه تلویزیونی «ان بی سی» آمریکا که روز چهارشنبه ۲۶ دیماه جاری به صورت یک نوار صوتی در رسانه‌ها و شبکه‌های خبری پخش شد، بار دیگر بحث مذاکره با آمریکا را با زبانی صریح و آشکار به وسط میدان بازی جمهوری اسلامی کشانده است. به رغم موضوعات مختلفی که در این گفت‌وگو طرح شده‌اند، اما، پاسخ پزشکیان به دو پرسش مذاکره با آمریکا و ادعای طرح ترور ترامپ

در صفحه ۲

## وزارت کار؛ تفتیش عقاید و تصفیه سراسری کارگران پیشرو

در صفحه ۸

## نئوفاشیسم در قدرت: ۱۲ ساعت کار در روز و ۶ روز کار در هفته - آرژانتین!



روی کار آمدن جریان‌های دست راستی و فاشیستی در برخی کشورهای جهان نه تنها با برانگیختن و تشدید احساسات شوبنیستی و فاشیستی، مهاجرت‌ستیزی، اعمال فشار بر جنبش‌های دمکراتیک و دست‌آوردهای مبارزاتی همراه بوده، بلکه در عرصه اقتصادی نیز دست‌آوردهای مبارزاتی جنبش طبقه کارگر طی سده‌های اخیر را وسیعاً مورد تهاجم قرار داده است.

در صفحه ۴

## دیپلماسی سری و قرارداد ۲۰ ساله جمهوری اسلامی با روسیه

رسم دیپلماسی سری که از گذشته‌های دور در تاریخ بشریت معمول گردید و پادشاهان و فرمانروایان دوران برده‌داری و فئودالیسم آن را حق بی‌چون‌وچرای خود می‌دانستند، به‌رغم این‌که در دوران سلطه نظام سرمایه‌داری ظاهراً تحولاتی را از سر گذرانده و در دمکراسی‌های پارلمانی تلاش شده است، به دیپلماسی شکلی دمکراتیک داده شود، اما هنوز هم به اشکال مختلف و گاه به‌غایت وحشیانه و ضد انسانی به

در صفحه ۵

دیپلماسی سری جزئی جدایی‌ناپذیر از روش و شیوه کار دولت‌های سرمایه‌داری در سیاست خارجی و مناسبات با دولت‌های دیگر است. آن‌ها برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های ارتجاعی خود، به هر اقدام جنایتکارانه و ضد انسانی دست می‌زنند، در اتاق‌های دربسته با یکدیگر مذاکره می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، قرارداد پنهانی منعقد می‌سازند و آن‌ها را که خلاف منافع مردم کشورهای خود یا کشورهای دیگر است، از چشم همگان پوشیده و پنهان می‌دارند.

گزارشی کوتاه از برگزاری  
آکسیون،  
علیه حکم اعدام  
پخشان عزیز و  
دیگر زندانیان سیاسی

در صفحه ۷

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## تشدید جدال بر سر مذاکره با آمریکا

توسط جمهوری اسلامی به رغم سکوت تاکنونی خامنه‌ای، واکنش‌های جدال برانگیزی را در میان پاره‌ای از نمایندگان مجلس، روزنامه‌های امنیتی رژیم، صدا و سیما، چهره‌های شاخص اصولگرایان و عناصر ذوب شده در ولایت خامنه‌ای ایجاد کرده است.

پزشکیان در مورد مذاکره با آمریکا گفت: «ما آماده گفت‌وگو هستیم. ما یک گفت‌وگوی برابر و با در نظر گرفتن عزت و حکمت خودمان را می‌پذیریم». او در مورد اقدام به ترور ترامپ توسط جمهوری اسلامی نیز با تأکید بر اینکه ایران هرگز به فکر ترور ترامپ نبوده و نیست با دروغی آشکار گفت: «ما از اول هم قصدی برای این اقدام به هیچ وجه نداشته و نخواهیم داشت».

این اعلام نظر صریح مسعود پزشکیان در مورد آمادگی جمهوری اسلامی برای مذاکره با آمریکا، آنهم در شرایطی که خامنه‌ای علاوه بر تأکیدات مکرر تا کنونی‌اش بر عدم مذاکره با آمریکا، یک هفته پیش نیز طرفداران مذاکره با دولت این کشور را عناصری «ضعیف» و «مرعوب» در مقابل آمریکا خواند، حاکی از خرابی بیش از حد اوضاع در درون حاکمیت است. این وضعیت بحرانی که پزشکیان ذوب شده در ولایت را بر آن داشته تا بر خلاف نظر صریح خامنه‌ای از آمادگی جمهوری اسلامی برای مذاکره با آمریکا سخن بگوید، محتملاً گویای حقیقتی پنهان در توافقات پشت پرده است که به او این جرئت را داده تا به دور از خشم خامنه‌ای و تهدیدات روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های امنیتی، نظیر کیهان و جوان و فارس و تسنیم، از آمادگی جمهوری اسلامی برای مذاکره با ترامپ حرف بزند.

خامنه‌ای بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی که به فرمان مستقیم ترامپ در شامگاه ۱۳ دیماه ۱۳۹۸ در فرودگاه عراق صورت گرفت، به صراحت اعلام کرد: «اگر چنانچه یک وقتی هم - بر فرض محال - قرار بود دولت جمهوری اسلامی با رژیم آمریکا مذاکره بکند، یا این دولت کنونی آمریکا [ترامپ] هرگز مذاکره نمی‌کند». تأکید از ماست

خامنه‌ای در همان دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، وقتی شینزوآبه - نخست وزیر سابق ژاپن - به دیدار وی آمد تا پیام ترامپ را به او برساند، نه تنها از گرفتن پیام خودداری کرد، بلکه در مقابل درخواست نخست وزیر سابق ژاپن گفت: «من شخص ترامپ را شایسته مبادله هیچ پیامی نمی‌دانم و هیچ پاسخی هم به او ندارم و نخواهم داشت».

فراتر از این، خامنه‌ای در فردای بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی، طی پیامی اعلام کرد: «انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای دیشب آلودند». او همچنین در ۱۱ دیماه ۱۴۰۰ نیز طی دیداری که با خانواده و اعضای ستاد مراسم سلیمانی داشت، برای چندمین بار تأکید کرد: «هنایی که او را شهید کردند، جایشان زیاله‌دان تاریخ است و جزو فراموش شدگان تاریخ خواهند بود... ما دنبال وقت ممکن هستیم. باید انتقامشان را پس بدهند. انشالله بعد از آنکه تقاص دنیوی‌شان را

بدهند، گم و گور خواهند شد». علاوه بر خامنه‌ای، امیر علی حاجی زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران نیز در تاریخ ۶ اسفند ۱۴۰۱ به صراحت اعلام کرد که «هدف اصلی ما» انتقام از افرادی است که دستور کشتن قاسم سلیمانی را صادر کردند. «انشالله بتوانیم ترامپ، پومپو و مک‌کنزی را بکشیم».

حال با گذشت پنج سال از کشته شدن قاسم سلیمانی، همان ترامپی که به زعم خامنه‌ای قرار بود پس از «انتقامی سخت» به زیاله‌دان تاریخ برود، نه تنها گوریه‌گور نشد، نه تنها انتقام سختی را پس نداد، بلکه هم اینک در مقابل چشمان حیرت‌زده خامنه‌ای و سرداران سپاه پاسداران بار دیگر بر مسند ریاست جمهوری آمریکا نشسته است. در چنین وضعیتی اکنون همه نگاه‌ها متوجه ترامپ و اتخاذ تصمیمات آتی‌اش علیه جمهوری اسلامی است. لذا، پوشیده نیست آمدن مجدد ترامپ آنهم در شرایطی که جمهوری اسلامی در وضعیتی بسیار ضعیف‌تر از پنج سال پیش قرار دارد، چه عواقب سخت و سنگینی را برای رژیم رقم خواهد زد.

بر کسی پوشیده نیست، اکنون اقتصاد جمهوری اسلامی به کلی فرو پاشیده است. نارضایتی عمومی سراسر کشور را فرا گرفته، بحران‌های درونی رژیم عمیق‌تر گشته و مبارزات کارگران و زنان و بازنشستگان و دیگر گروه‌های اجتماعی به سطح بالاتری ارتقاء یافته است. علاوه بر این، با شکست‌هایی که طی یک سال گذشته جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و بین‌المللی متحمل گشته و ضربات سنگینی که بر پیکر نحیف آن وارد شده است، عملاً نوعی سرخوردگی، ریزش نیرو و خطر فروپاشی درونی نظام را هم شدت بخشیده است.

لذا، اصرار مسعود پزشکیان، پافشاری اعضای کابینه و بسیج تبلیغاتی روزنامه‌های طرفدار دولت، حول شعار «گفت‌وگو مستقیم» با ترامپ را می‌بایست در ارتباط تنگاتنگ با همین شرایط سخت و دشواری که جمهوری اسلامی در داخل و خارج با آن مواجه است، دید و ارزیابی کرد.

اوضاع بهم ریخته جمهوری اسلامی، خصوصاً در این بازه زمانی معین که طبقه حاکم در ضعیف‌ترین موقعیت تاریخی خود قرار دارد، شرایط را برای جمهوری اسلامی بسیار وخیم و پیچیده کرده است. روشن است، در چنین اوضاع و احوال پیچیده‌ای، نه فقط موضوع مذاکره با آمریکا، بلکه طرح هر موضوع دیگری نظیر اجرای طرح موسوم به عفاف و حجاب، موضوع پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی (درپولشویی)، بحران هسته‌ای، موضوع مکانیزم ماشه، بحث خروج از ان پی تی و دیگر موضوعات از این دست، می‌تواند به اوج گیری تنش‌ها و افزایش نزاع در درون حاکمیت منجر گردد.

از اینرو، به رغم تشدید جدال‌های درونی حاکمیت و به رغم مخالفت خوانی‌های تاکنونی خامنه‌ای و حملات کم سابقه کیهان و نیروهای ولایی در تقبیح مذاکره با ترامپ، اگرچه به طور قاطع نمی‌شود از تغییر ریل سیاست جمهوری اسلامی به سمت مذاکره با آمریکا سخن گفت،

اما، شواهد و قراین تاکنونی نشان می‌دهد، چنانچه در این بازه زمانی معین کمترین روزنه‌ای هم در برون رفت حاکمیت از بحران و فروپاشی نظام وجود داشته باشد، همانا پیشبرد سیاست مذاکره مستقیم با دولت آمریکاست. سیاستی که دستکم مسعود پزشکیان و کابینه او بر ضرورت شکل گیری این روند - حتا اگر انجام آن برای خامنه‌ای سخت و دردناک باشد - تأکید دارند. وضعیتی سخت و شکننده، که بیش از هر زمان دیگری خامنه‌ای و به طریق اولی، هیئت حاکمه را بر سر دو راهی مذاکره با آمریکا برای حفظ نظام و یا پای فشردن بر عدم مذاکره با ترامپ برای حفظ آبروی نداشته رهبر جمهوری اسلامی قرار داده است.

خامنه‌ای به رغم سخت سری‌های تاکنونی‌اش، ثابت کرده است که مصلحت نظام و ماندگاری آن برایش از علو واجبات است و از این منظر نشان داده است برای انجام چنین تغییراتی از ظرفیت بالای «نرمنش قهرمانانه» برخوردار است. لذا، اگر از نظر او، مصلحت نظام و استمرار و بقاء حاکمیت بر آن باشد که باید پای مذاکره با دولت آمریکا رفت، یقیناً قادر است با یک «نرمنش قهرمانانه» دیگر و تبیین اهمیت «صلح حسنی» به «قیام حسینی»، رفتارهای دوگانه و متضاد خود را توجیه و طرفداران ولایی خود را نیز ساکت و آرام کند. پزشکیان هم که ذوب شده در ولایت خامنه‌ای است، با تکیه بر همین ظرفیت خامنه‌ای و برخوردار از حمایت‌های پشت پرده او و با وقوف به این امر که رئیس جمهور صرفاً کارگزار سیاست خامنه‌ای در روابط بین‌المللی از جمله مذاکره با آمریکا است، تهدیدات روزنامه کیهان و دیگر ذوب شدگان ولایی نظیر مهدی کوچک زاده نماینده اصولگرای مجلس ارتجاع را به جان خریده تا سپر بلای خامنه‌ای در این مسیر متلاطم و پر تنش باشد.

اگرچه اعتبار نداشتن امروز خامنه‌ای، به دلیل شکست‌های فاحش سیاست‌های تاکنونی او در عرصه داخلی و بین‌المللی با اعتبار سال‌های پیش خامنه‌ای به هنگام انجام نرمنش قهرمانانه در توافق هسته‌ای با آمریکا به کلی متفاوت است و این امر، کار خامنه‌ای را در تصمیم گیری مذاکره با کابینه ترامپ بسیار دشوار کرده است، اما خرابی اوضاع رژیم و خطر اضمحلال و فروپاشی درونی حاکمیت آنچنان محرز و قرین به واقعیت است که وجود این واقعیت غیر قابل انکار، دیر یا زود، خامنه‌ای را - به رغم افزایش تنش و تشدید نزاع در درون حاکمیت - در مسیر مذاکره با ترامپ ترغیب خواهد کرد.



## یکسال و سه ماه و دوازده روز در غزه

آزادی نبود، کشتار مردم فلسطین بود. وقتی تنها خبر توافق برای آتش‌بس در روز چهارشنبه منتشر شد، مردم ستم‌دیده فلسطین در غزه و کرانه باختری از شادی به هوا پریدند و رقص‌کنان شادمانه آواز سر دادند، آن‌هم در حالی که همان روز شهر غزه توسط ارتش صهیونیستی اسرائیل گلوله‌باران شده و ۴۸ فلسطینی کشته شده بودند. آن‌ها نمی‌دانستند مفاد قرارداد آتش‌بس چیست (و شاید در آن لحظه حتی برای‌شان مهم نبود)، آن‌ها تنها شنیده بودند که آتش‌بس مورد توافق قرار گرفته و همین برای شادی و صف‌ناپذیرشان کافی بود.

چه فاجعه‌ی بزرگی! چه بر مردم غزه گذشته است که شادی آتش‌بس، بر عزاداری بر جسد ۴۸ فلسطینی سایه افکند؟ روزی که در تنها یک واحد مسکونی ۱۲ نفر در محله شیخ رضوان غزه جان باختند و نتوانستند رقص‌کنان و هلهله‌زنان به خاطر آتش‌بس شادی کنند. در این یکسال و سه ماه و دوازده روز، چه بر این مردم گذشته؟ بر این مردم ستم‌دیده، از پا افتاده و خسته از جنگ و کشتار و خونریزی. یک دختر ۱۹ ساله که پیش از جنگ قرار بود برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی با بورسیه عازم الجزایر شود، اما روایش با پیمودن روزانه ۲ کیلومتر تنها برای یافتن آب آشامیدنی با جنگ رفته بود، می‌گوید: "در عمرم هرگز این قدر شاد نشده بودم. باورم نمی‌شود. آیا خواب می‌بینم؟"

آنچه در این یکسال و سه ماه و دوازده روز گذشت، هیچ ربطی به آرمان‌های مردم فلسطین نداشت، نه کشتار وحشیانه مردم غیرنظامی اسرائیل در ۷ اکتبر و نه فجایع بعد از آن. نه "طوفان الاقصی خامنه‌ای" خواست مردم فلسطین بود و نه می‌توان کشتار مردم به همراه ویرانی غزه را مقاومت مردم فلسطین نامید، و بی‌شماره‌تر آن‌که مانند خامنه‌ای آتش‌بس را پیروزی "مقاومت مردم غزه و شکست اسرائیل" خواند. در وقاحت و بی‌شرمی، دیکتاتور خون‌آشام مرزی را نمی‌شناسد. بر حلقه محافظان‌اش نشسته و جام خالی "پیروزی" را با خون مردم فلسطین پُر می‌کند و سر می‌کشد.

حماس با گستاخی تمام از پیروزی می‌گوید و این‌که "جنگ دیگر از سر گرفته خواهد شد"، از آن طرف اما سپاه پاسداران در بیانیه خود وعده "برگزاری نماز نصر در آینده‌ای نه چندان دور در مسجد الاقصی" را می‌دهد و نتانیاهو می‌گوید: "اگر توافقات در هر کدام از مراحل اجرا نشود اسرائیل به جنگ باز می‌گردد" و منظورش این است که حماس نباید جایی در غزه داشته باشد نه از نظر نظامی و نه در اداره امنیتی و سیاسی غزه.

جمهوری اسلامی راهپیمایی "نصر" بعد از نمازهای جمعه به شکرانه "فتح بزرگ" یعنی "آتش‌بس موقت" برگزار می‌کند، اما از جمعیت ۱۰ میلیونی تهران ۳ هزار نفر شرکت می‌کنند و در دیگر شهرهای میلیونی به چند صد نفر می‌رسند. جمعیت خودجوش‌شان نیز در میدان فلسطین در شب چهارشنبه به چند ده نفر محدود است. دیگر از ساندیس و خیلی بالاتر از ساندیس کاری بر نمی‌آید.

حماس و همپالگی‌های‌اش همچون سپاه پاسداران، نمی‌گویند که چگونه و چرا این کشتار و ویرانی و خانه‌خرابی به مردم غزه تحمیل شد و باز نمی‌گویند حاصل این فجایع که عمدتاً بر دوش مردم غزه افتاد برای مردم فلسطین چه بود؟! اما ما به صراحت می‌گوییم که هیچ ارمانی برای مردم ستم‌دیده فلسطین نداشت جز ویرانی و کشتار، جز درد و رنج، جز ناله و فریاد. بی‌شک در این جنایات که دولت اسرائیل به رهبری نتانیاهو نقش اصلی را دارد، حماس و جمهوری اسلامی به‌عنوان آغازگر این فاجعه و دولت آمریکا به رهبری جو بایدن و شرکای اروپایی‌اش به دلیل تامین سلاح‌های کشتار جمعی برای ارتش فاشیستی اسرائیل، در کشتار مردم فلسطین نقش داشته و مسئول‌اند.

اما باید هشیار بود که با آتش‌بس کنونی نه خطر جنگ پایان یافته و نه مساله فلسطین حل شده است. یکی از حساس‌ترین موضوعات آینده سیاسی و اداری غزه است و نتانیاهو بدون تردید حاضر به پذیرش هیچ نقشی برای حماس در آینده غزه نیست. حماس هم اگرچه از نظر نظامی کامل از بین نرفته، اما واقعیت این است که دیگر توان رزمی گذشته را ندارد و حتی نمی‌توان دیگر حماس را به عنوان یک بازوی نظامی جمهوری اسلامی به حساب آورد. نتانیاهو حتی حاضر به پذیرش اداره غزه توسط تشکیلات خودگردان فلسطین نیست. این یکی از گره‌های مهم مذاکرات پیش‌ارو در مراحل بعدی است.

دولت اسرائیل همچنین امتیازات دیگری از جمله کنترل گذرگاه فیلادلفیا را در مذاکرات بدست آورد. توافق آتش‌بس به گفتمانی جو بایدن براساس همان طرحی بدست آمده است که وی در ماه می سال گذشته ارائه کرده بود، اما طرفین به بهانه‌های مختلف حاضر به پذیرش آن نشده بودند. از جمله حماس که بر پایان جنگ و نه آتش‌بس موقت تاکید داشت، اما این‌بار مجبور به پذیرش این مساله شد و گفت‌وگو برای پایان جنگ به دور بعدی مذاکرات موکول شد.

در مرحله اول که شش هفته به طول خواهد انجامید، ۳۳ گروگان از جمله زنان، کودکان و سالخورده‌گان با تعدادی از زندانیان فلسطینی مبادله و آزاد خواهند شد. در این مرحله همچنین ارتش اسرائیل از نواحی پر جمعیت غزه خارج خواهد شد و آوارگان فلسطینی خواهند توانست به خانه‌های خود باز گردند. روزانه ۶۰۰ کامیون کمک‌های انسانی نیز به غزه وارد خواهند شد.

۱۶ روز بعد از آغاز آتش‌بس، مذاکرات برای مرحله دوم آغاز خواهد شد. این مرحله نیز شش هفته طول خواهد کشید. در این مرحله گروگان‌های باقی مانده همراه با تعدادی از زندانیان فلسطینی آزاد و ارتش اسرائیل از غزه عقب‌نشینی خواهد کرد.

مرحله سوم و نهایی شامل بازسازی غزه تحت نظارت مصر، قطر و سازمان ملل و بازگرداندن بقایای گروگان‌های جان‌باخته خواهد بود. در این مرحله است که موضوع اداره غزه نیز باید حل شود. دولت اسرائیل اعلام کرده است که کنترل امنیتی‌اش بر غزه باید همچنان باقی بماند. جو بایدن در کنفرانس خبری خود در این رابطه

گفت: "با شکل‌گیری این توافق، فلسطینیان می‌توانند غزه را بدون حضور حماس از نو بسازند." دولت کانادا نیز ضمن استقبال از توافق بر عدم حضور حماس در آینده غزه تاکید کرد.

بسیاری از دولت‌های دیگر اما بر این نکته تاکید کردند که برای حل کامل مساله باید راه حل دو دولت دو کشور پیگیری و اجرا شود. از مکرون رئیس‌جمهور فرانسه تا استارمر نخست‌وزیر انگلیس و بسیاری از سران دیگر دولت‌های جهان از جمله کشورهای عربی بر این موضوع تاکید کردند. حتی جو بایدن نیز بر این موضوع انگشت گذاشت، اما در رابطه با دولت آمریکا موضوع این است که تا چند روز دیگر ترامپ جایگزین بایدن خواهد شد که بسیار علاقه‌مند است تا "پیمان ابراهیم" را گسترش داده و به نام خود حک کند.

ترامپ اما با یک مانع مهم روبروست. دولت عربستان برای برقراری رابطه با اسرائیل حل مساله فلسطین را پیش‌شرط خود اعلام کرده است. پیش شرطی که اغلب دولت‌های جهان برای حل دائمی مساله فلسطین و صلح خاورمیانه به آن باور دارند و در نتیجه از حمایت وسیعی برخوردار است. در واقعیت نیز مساله فلسطین هیچ راحل دیگری در شرایط کنونی ندارد.

ترامپ اما در دوره اول ریاست‌جمهوری خود حمایت‌های کنظیری از دولت اسرائیل به عمل آورد که از جمله می‌توان به انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس (اورشلیم) و به رسمیت شناختن قسمت اشغالی جولان به عنوان خاک اسرائیل اشاره کرد، در حالی که هیچ دولت دیگری در جهان آن را به رسمیت نشناخته است. مایک هوکابی سفیر انتخابی ترامپ برای اسرائیل و فرماندار سابق آرکانزاس نیز یکی از افراطی‌ترین افراد ضد فلسطینی است که بیشتر گفته بود "چیزی به نام کرانه باختری یا مناطق اشغالی وجود ندارد." با وجود این پیش‌برد "پیمان ابراهیم" برای ترامپ از اهمیت وافر برخوردار است، حتی اگر به مفهوم نرمش در برابر عربستان سعودی باشد. اما نرمش در برابر عربستان سعودی مشکل دیگری دارد و آن دولت نتانیاهو است که اساساً به حقوق مردم فلسطین و راحل دو کشوری و دو دولتی اعتقادی ندارد و این تناقض و تضاد است که ترامپ با آن روبروست.

دولت آمریکا از "پیمان ابراهیم" اهداف سیاسی و اقتصادی مشخصی را دنبال می‌کند. موضوع اصلی این است که دولت امپریالیستی آمریکا به‌ویژه در رقابت با امپریالیسم چین - با توجه به تغییراتی که در چهره سیاسی خاورمیانه رخ داده است - می‌خواهد موقعیت خود در خاورمیانه را تقویت و تحکیم بخشد. موقعیتی که رو به افول بود و در سال‌های اخیر دولت‌های عربی منطقه روابط خود را با چین (و روسیه) گسترش داده بودند. به هر حال حل مساله فلسطین و گسترش "پیمان ابراهیم" دو موضوع کلیدی، حساس و مشکل در پیش پای دولت ترامپ برای تقویت و تحکیم موقعیت امپریالیسم آمریکا در منطقه هستند.

تن دادن حماس نیز به توافق آتش‌بس و برخی از شروطی که پیش از آن تن داده بود، افزون بر تضعیف و شکست‌های پی در پی، به دلیل همین تغییرات در چهره‌ی سیاسی خاورمیانه است.

## نوفاشیسم در قدرت: ۱۲ ساعت کار در روز و ۶ روز کار در هفته - آرژانتین!

زمامداران فاشیست به محض کسب قدرت، در رؤیای آفریدن شرایطی هستند که کارگران در دوران انقلاب صنعتی و در سده های ۱۸ و ۱۹ میلادی با آن مواجه بودند.

دولت فاشیستی «خاویر می لی» در آرژانتین که ژانویه سال ۲۰۲۴ به قدرت رسید، در اولین سالگرد تشکیل دولت‌اش، خبر از لایحه‌ای داد که به موجب آن ساعات کار روزانه به ۱۲ ساعت و تعداد روزهای کاری در هفته به ۶ روز افزایش خواهد یافت. همچنین طبق این لایحه بخشی از دستمزد کارگران به صورت کوپن تهیه ارزاق عمومی پرداخت و مرخصی و تعطیلات نیز حذف خواهند شد.

«خولیو کوردرو» وزیر کار آرژانتین روز ۵ ژانویه سال جاری در یک کنفرانس مطبوعاتی، مفاد این لایحه ضدکارگری را اعلام کرد. این بخشی از مجموعه اقداماتی است که دولت فاشیستی آرژانتین تحت عنوان «ترغیب سرمایه گذاری و اشتغال» در دستور کار قرار داده است. اقداماتی که زندگی و معیشت کارگران و توده‌های زحمتکش این کشور را بیش از پیش نشانده گرفته است.

این اقدامات ضدکارگری که بازگشت به شرایط دهشتناک کار در کارخانه‌ها و مانوفاکتورها در دوران انقلاب صنعتی است، بخشی از برنامه‌های دولت «می لی» است که با شعارهای پوپولیستی و عوام‌فریبانه بر موج اعتراضات توده‌ای علیه احزاب حاکم وقت، سوار شد و یک سال پیش در آرژانتین - کشوری با نرخ تورمی سه رقمی - به قدرت رسید. کشوری که در دهه‌های اخیر درگیر بحران‌های عمیق اقتصادی، بیکاری، فقر، تورم، فساد، چپاول و غرق در قروض و بدهی‌های داخلی و خارجی است.

او که در کارزارهای تبلیغاتی‌اش، با آره برقی ظاهر می‌شد، خود را «انارکو- کاپیتالیستی» نامید که می‌خواهد حشو و زوائد سیستم را با آره ببرد و به دور بیاندازد و دولت را حتی الامکان کوچک کند. «می لی» با کوچک کردن دولت - که شعار همه دست راستی‌های شبه فاشیست است - و کاهش هزینه‌های آن و اجرای یک سلسله سیاست‌ها از جمله اخراج‌های وسیع، کاهش و یا حذف خدمات رفاهی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش این کشور توانسته است عجلتاً نرخ تورم را کاهش دهد. در نتیجه این سیاست‌ها که با ریاضت اقتصادی گره خورده‌اند، نرخ تورم ظاهراً به ۷ / ۲ درصد کاهش یافته است. کاهش نرخ تورم البته به معنای کاهش بحران اقتصادی در این کشور نیست. برعکس، بار این کاهش تورم بر دوش میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان این کشور است که با فقر و کاهش قدرت خرید و بی چشم اندازی روبرو هستند.

در واقع دولت «می لی» با یک مجموعه اقدامات، شرایطی مهیا کرده که عجلتاً سرمایه گذاری‌ها بویژه سرمایه گذاری‌های خارجی در این کشور را تسهیل کند. امری که در دهه‌های گذشته بخاطر وضعیت بحرانی اقتصادی و

اقتصاد ورشکسته این کشور عملاً متوقف شده بود. دولت «می لی» با کند کردن روند کاهش ارزش «پیزو» - واحد پول آرژانتین - و کاهش نرخ تورم بدنبال فراهم آوردن زمینه‌ای برای جذب و تسهیل این سرمایه‌گذارهاست. اخراج کارگران، افزایش ساعات کار روزانه به ۱۲ ساعت آنهم ۶ روز در هفته، هدیه دولت او به سرمایه داران داخلی و خارجی و حمله‌های آشکار به وضعیت معیشت کارگران و توده‌های زحمتکش این کشور، از جمله ۵ میلیون بازنشسته است. «می لی» هم در تبلیغات انتخاباتی خود و هم در دورانی که به قدرت رسیده، به سرمایه داران خارجی وعده داده بود تا سال ۲۰۲۵ زمینه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری‌های آنها در آرژانتین را مهیا کند. چنین نیز کرد. این اقدامات همچنین موجب خواهد شد که اعتبار از دست رفته این کشور برای دریافت وام از صندوق بین المللی پول، احیا شود. تا سپتامبر سال ۲۰۲۴، هنگامی که مجلس این کشور طرح افزایش مقرری بازنشستگی را در دستور کار خود قرار داده بود، «می لی» از طریق ساخت و پاخت با حزب میانه این کشور، حق وتوی مصوبات مجلس را برای خود دست و پا کرد تا بتواند در صورت تصویب افزایش مقرری بازنشستگی، آن را وتو کند. به پاس همراهی و همدلی ۸۲ نماینده‌ای که با آراء خود، حق وتو را به «می لی» داده بودند و مانع از تصویب افزایش مقرری بازنشستگی شده بودند، آنها به ضیافتی باشکوه در قصر ریاست جمهوری دعوت شدند و به جشن و پایکوبی پرداختند. این در حالی بود که همزمان با آن ضیافت شرم‌آور، بازنشستگان معترض، فعالین چپ و فعالین اتحادیه‌ها که در خیابانها تجمع کرده بودند از سوی پلیس و نیروهای ضدشورش با گاز اشک آور و باتوم مورد حمله قرار گرفتند. با وجود این اعتراضات بازنشستگان از جمله بازنشستگان فرهنگی، بازنشستگان بخش بهداشت و درمان چندین روز ادامه یافت.

هزینه سیاست‌های ریاضت اقتصادی «می لی» چگونه تامین شده است؟ بخشی از آن از قبیل اخراج ۳۰ هزار تن از کارکنان بخش دولتی - تحت عنوان صرفه‌جویی در هزینه‌های دولتی - تامین شده است. به گزارش مرکز اقتصاد سیاسی آرژانتین، نیمی از هزینه‌های جراحی اقتصادی «می لی» از طریق کاهش مستمری بازنشستگان و همچنین کاهش هزینه‌های پروژه‌های عمرانی این کشور تامین شده است. پس از روی کار آمدن «می لی» ۳۰ درصد پروژه‌های ساخت و ساز و عمرانی در آرژانتین متوقف شد. از سوی دیگر حذف پارانه‌های حمل و نقل و انرژی موجب افزایش ۳۰۰ درصدی کرایه اتوبوس و قطار شد و قیمت برق و گاز ۴۳۰ درصد افزایش یافت. افزایش قیمت‌ها، قدرت خرید بازنشستگان و کارگران و اقشار زحمتکش را کاهش داده و آنها را از پرداخت ضروری‌ترین هزینه‌ها از جمله اجاره خانه و آب

و برق عاجز کرده است. تحت این شرایط طی یک سال گذشته، ۵ میلیون نفر به فقر کشیده شده‌اند. در حال حاضر ۵۳ درصد مردم آرژانتین در فقر به سر می‌برند که بخش عمده‌ای از آنان را بازنشستگان و کارگران بخش کشاورزی و عمرانی تشکیل می‌دهند. مجله آمریکائی «نیویورکر» در ماه دسامبر در مطلب مفصلی که در مورد رویدادهای یکسال اخیر آرژانتین و بررسی کارنامه «می لی» منتشر کرده، از جمله به وضعیت اسفبار بازنشستگان این کشور پرداخته و با تکی چند از آنها به گفتگو نشست است. در این گفتگوها، بازنشستگان به کاهش روز به روز قدرت خریدشان و فشارهای ناشی از آن اشاره کرده‌اند. این فشارها بددی است که آنها باید هر ماه بین پرداخت کرایه خانه و یا پرداخت هزینه‌های درمانی و بهداشت یا پرداخت قبوض آب و برق یکی را انتخاب کنند و گرنه از پس هر دو بر نخواهند آمد. افزایش هزینه‌های اولیه بددی است که به رواج شیوه اعتراضی امتناع از پرداخت قبوض منجر شده است.

بازنشستگان تنها گروه معترض و مخالف سیاست های دولت فاشیستی «می لی» نیستند. طبق ارزیابی‌ها و نظرسنجی‌های رسمی این کشور - که الزاماً دقیق و همه جانبه نیز نیستند - ۴۵ درصد آرژانتینی‌ها نه تنها هیچگونه توهمی به سیاست‌های دولت «می لی» و کاهش موقت نرخ تورم ندارند، بلکه مخالف این دولت و سیاست‌های ارتجاعی و ضدکارگری آن هستند و به شعارها و وعده‌ها نیز واقعی نمی‌گذارند. حتی اقتصاددانان بورژوازی نیز اقدامات و سیاست‌های اقتصادی دولت آرژانتین را سیاستی «با دوام» و «موثر» نمی‌دانند و اقدامات «می لی» را قمار سیاسی و شوک اقتصادی می‌نامند که قادر نخواهد بود در دراز مدت معضلات عمیق اقتصادی این کشور را برطرف کند.

در واقع امر، آنچه تحت حاکمیت جریان‌ات دست راستی، شویونیست و شبه فاشیست هم در عرصه سیاست و هم در اقتصاد سر باز می‌کند، چهره عریان نظام سرمایه داری است. گندابی مملو از ستم، استثمار، فقر، فساد، لмпنیسم و ضدیت با هر پدیده و دست‌آورد مترقی که کارگران و اقشار و توده‌های زحمتکش با مبارزاتشان به آن دست یافته‌اند. عریان‌تر (تر) شدن چهره نظام سرمایه داری، این انتخاب را بیش از پیش در برابر بشریت قرار داده است: سوسیالیسم یا بربریت!



## دیپلماسی سری و قرارداد ۲۰ ساله جمهوری اسلامی با روسیه

حیات خود ادامه می‌دهد. از همین روست که می‌بینیم حتی در دمکراسی‌های پارلمانی، مردم زمانی از اقدامات دیپلماتیک ارتجاعی و ضد انسانی دولت‌های کشورهای خودشان خبردار می‌شوند که سال‌ها از آن گذشته است و اسناد آن‌ها معمولاً پس از گذشت ۲۰ یا ۳۰ سال از محرمانه بودن خارج می‌شوند و برخی دیگر هرگز روی علنی شدن را به خود نمی‌بینند. این دیپلماسی سری در دوران سلطه سرمایه‌داری، با قراردادهای مخفیانه به جنگ‌های ویرانگر، اسارت ملت‌ها به‌ویژه در مناطق و کشورهای عقب‌مانده، به فجایع بزرگ بین‌المللی و کشتارهای هولناک از جمله جنگ‌های جهانی انجامیده است. قراردادهای مخفیانه میان قدرت‌های فاتح جنگ جهانی اول و تقسیم کشورهای عقب‌مانده میان خود، زد و بندها و توطئه‌های قدرت‌های جهانی به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و برپایی کودتاهایی که تنها یک نمونه علنی شده آن توافق مخفیانه دولت‌های انگلیس و آمریکا برای برپایی کودتا در ایران، به سرنگونی مصدق انجامید، ده‌ها و صدها نمونه دیگر از ضد انسانی‌ترین شیوه‌های آدمکشی، پرداخت رشوه، توطئه، جاسوسی و غیره را می‌توان نام برد که چند سال پیش سایت افشاگر ویکی‌لیکس نمونه‌هایی از آن‌ها را از دیپلماسی سری امپریالیسم آمریکا برملا کرد. دیپلماسی سری که معمولاً به اسم دفاع از امنیت و منافع کشور و مردم توجیه می‌شود، در واقع روشی در خدمت دفاع از منافع طبقه سرمایه‌دار، انحصارات مالی جهان، رقابت‌ها بر سر مناطق نفوذ اقتصادی و سیاسی و شکست قدرت‌های رقیب است و نه امنیت و منافع مردم. اگر پای امنیت و منافع مردم در میان می‌بود در آن صورت قبل از همه خود مردم می‌بایستی از آن آگاه شوند و نه این‌که از آن‌ها پنهان نگه‌داشته شود.

این دیپلماسی سری در کشورهایی با رژیم‌های استبدادی، شکلی مطلق و همه‌جانبه به خود می‌گیرد و دیکتاتور رأس این نظام‌ها همان جایگاهی را برای خود در تصمیم‌گیری مربوط به سیاست خارجی قائل است که شاهان و فرمانروایان دوران برده‌داری و قرون‌وسطا از آن برخوردار بودند. در دولت‌های استبدادی که حقوق مردم از آن‌ها سلب شده و هیچ‌گونه نهاد کنترل‌کننده دولت مطلقاً وجود ندارد، دیپلماسی به‌کلی مخفی است و دولت‌ها در سیاست خارجی و در مناسبات با دولت‌های دیگر هر تصمیمی را که اراده کنند، می‌گیرند به هر شکلی که می‌خواهند سیاست‌شان را پیش می‌برند، بدون آن‌که مردم کمترین اطلاعی از آن داشته باشند.

نمونه شاخص یک چنین دولت‌هایی، جمهوری اسلامی در ایران است و تازه‌ترین نمونه عملکرد این دیپلماسی سری، قراردادی است که اخیراً میان روسیه و جمهوری اسلامی امضا شد. ماه‌ها بر سر این قرارداد میان این دو دولت، مذاکره و گفتگو در جریان بود بدون این‌که مردم ایران در جریان آن باشند. اکنون نیز که به مرحله نهایی رسیده باز هم کسی از مفاد و

محتوای آن اطلاع دقیقی ندارد.

روز جمعه ۲۸ دی‌ماه روسای جمهوری روسیه و ایران در مسکو ملاقات کردند و "توافقنامه مشارکت راهبردی جامع ۲۰" ساله میان دو کشور را رسماً امضا کردند. آنچه تاکنون از مفاد این قرارداد رسماً اعلام‌شده، صرفاً گفتگویی است که ایرنا خبرگزاری رسمی رژیم با سفیر جمهوری اسلامی در روسیه داشت که آن‌هم چیز دیگری جز یک‌مشت کلی‌گویی نبود. از جمله وی گفت که توافقنامه شامل یک مقدمه و ۴۷ ماده است.

"این توافقنامه همه جوانب حوزه‌های روابط دوجانبه را در برمی‌گیرد؛ از جمله روابط سیاسی، اینکه در ساختار قدرت، دیدگاه‌هایمان چگونه است و چگونه باید حرکت کنیم. در مجامع بین‌المللی، چگونه باید حرکت داشته باشیم. تا برسد به حوزه اقتصادی و اینکه همکاری‌های استانی، انجام پروژه‌ها و همکاری‌ها در قالب دو و چندجانبه چگونه باید باشد.

همکاری دو کشور در حوزه‌های تجارت بین‌المللی و انرژی نیز پیش‌بینی شده است. همکاری در حوزه فناوری به‌ویژه فناوری‌های نوین، امنیت اطلاعات و سایبری نیز در توافقنامه است. همکاری در بخش انرژی و صلح‌آمیز هسته‌ای، مسائل دفاعی و نظامی و همکاری در مبارزه با تروریسم، مسائل محیط‌زیست و دریای خزر، مقابله با پول‌شویی و جرائم سازمان‌یافته، برخی دیگر از مفاد این توافقنامه را تشکیل می‌دهند."

وی در پاسخ خبرنگار ایرنا که پرسید: با توجه به اینکه روس‌ها در سال ۲۰۲۴ میلادی توافق‌های امنیتی و راهبردی با بلاروس و کره شمالی امضا کرده‌اند، آیا توافق آن‌ها با ایران هم از این جنس است؟ گفت: "جنس این توافق، متفاوت است؛ آن‌ها (روس‌ها) در توافقی‌های جداگانه خود با آن دو کشور مشارکت‌هایی در یکسری حوزه‌ها برای خود تعریف کرده‌اند که ما خیلی وارد آن حوزه‌ها نشده‌ایم."

وی همچنین گفت "توافقنامه پس‌از آن که امضا شد در زمانی که مسئولان صلاح بدانند، لایحه می‌شود و در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار می‌گیرد. " پس فعلاً حتی لازم نیست مجلس ارتجاع اسلامی هم که یک نهاد ارتجاعی ساخته‌وپرداخته و گوش‌به‌فرمان سرکرده رژیم است لااقل از چندوچون آن مطلع شود، تا مبدا مفادی از آن به بیرون درز کند و مردم ایران از آن آگاه شوند، بلکه چنانچه "مسئولان صلاح بدانند" و نه الزاماً، از آن‌ها هم یک امضای صوری خواهند گرفت.

درحالی‌که سفیر جمهوری اسلامی بر سر بندی از توافقات نظیر کره شمالی و بلا روس با روسیه که هرگاه موردحمله نظامی از سوی یک کشور قرار گیرند به یاری یکدیگر اقدام می‌کنند، پاسخی دوپهلوی می‌دهد و می‌گوید " ما خیلی وارد آن حوزه‌ها نشده‌ایم"، تردیدی نیست که یک چنین قراردادی وقتی‌که حوزه‌های چنین گسترده‌ای نه‌فقط در عرصه اقتصادی، بلکه همکاری‌های سیاسی، منطقه‌ای، بین‌المللی،

امنیتی، دفاعی و نظامی را در برمی‌گیرد، تعهد به کمک نظامی متقابل، جزء لاینفک آن خواهد بود.

این قرارداد یا آن‌طور که جمهوری اسلامی مطرح می‌کند، موافقت‌نامه، در شرایطی امضاء شد که تضاد میان قدرت‌های امپریالیست جهان پیوسته تشدید می‌شود و رقابت شدیدی میان آن‌ها بر سر تقسیم مجدد بازارهای جهان و مناطق نفوذ سیاسی در جریان است. بلوک امپریالیست چینی-روسی در تلاش است که در مقابل بلوک امپریالیستی اروپایی-آمریکایی بازارهای گروه رقیب را از چنگ آن درآورد. هدف قدرت‌های امپریالیست از به دست آوردن بازارهای جدید نیز روشن است. صدور سرمایه و کالا به‌مقصد کسب سودهای انحصاری. تفاوتی هم نمی‌کند که کدامیک از دو بلوک، بازارها را به دست آورند، آمریکایی-اروپائی باشد، یا چینی - روسی. توافقنامه روسیه و جمهوری اسلامی را نیز باید بر چنین زمینه‌ای بررسی کرد. پیش‌ازاین نیز سند همکاری ۲۵ ساله‌ای با چین منعقدشده بود که آن سند در اساس جنبه اقتصادی داشت. روشن است که یک قدرت امپریالیست نظیر روسیه در ایران منافع اقتصادی خود را از صدور سرمایه و کالا دنبال می‌کند و نه منافع مردم ایران، همان‌گونه که آمریکا و اروپا درگذشته کردند و همان‌گونه که تا به امروز در مورد چین صادق بوده است.

اما در موافقت‌نامه روسیه و جمهوری اسلامی، گذشته از اهداف اقتصادی، آنچه برجسته است و قرارداد را در سطحی بالاتر از یک قرارداد اقتصادی قرار می‌دهد، مجموعه‌ای از همکاری‌های سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی، امنیتی و نظامی است که کشور ایران را مستثنا از این‌که جمهوری اسلامی انکار بکند یا نکند، وارد بلوک‌بندی روسیه و چین در مقابل آمریکا و اروپا کرده است. روشن است که این مسئله خطرات جدی‌تری برای مردم ایران در پی خواهد داشت. نمی‌توان گفت که این دو کشور در منطقه پرتنش خاورمیانه که عرصه کشمکش و رقابت قدرت‌های امپریالیست است، با یکدیگر همکاری مشترک دارند، این همکاری مشترک در سطح بین‌المللی ادامه خواهد یافت و علاوه بر این موارد، همکاری‌های امنیتی و نظامی دارند، اما ایران از درگیری‌های متقابل قدرت‌های رقیب، حتی نظامی برکنار خواهد ماند. می‌دانیم که یکی از بهانه‌های کنونی قدرت‌های غربی برای تحریم‌ها، صدور پهباد از سوی جمهوری اسلامی به روسیه است که از این‌پس تشدید هم خواهد شد و اگر درگیری‌ها ابعاد نظامی گسترده‌ای به خود بگیرد، یک پای این درگیری نظامی در ایران رخ خواهد داد. مردم ایران فراموش نکرده‌اند که در جریان جنگ جهانی دوم، مناسبات نزدیک رضا پهلوی با فاشیسم هیتلری کافی بود که متفقین ایران را اشغال نظامی کنند.

بنابراین روشن است که کارگران و زحمتکشان ایران نه‌فقط با این قرارداد، بلکه با هر قرارداد جمهوری اسلامی مخالف باشند، مستثنا از این‌که طرف‌های قرارداد روسیه و چین باشند، یا آمریکا، اروپا و متحدان آن‌ها. چراکه نه‌فقط این قراردادها در جهت منافع مردم ایران نیستند، بلکه اساساً قراردادهایی هستند که مردم ایران

## وزارت کار؛ تفتیش عقاید و تصفیه سراسری کارگران پیشرو

باید ظرف مدت یکماه تهیه و به این وزارتخانه ارسال شود. آنگاه این اطلاعات در اختیار کارفرمایان قرار خواهد گرفت تا از ورود کارگران پیشرو به محیط کار جلوگیری شود. معنای اصلی نامه وزارت کار، حذف نیروی کار آگاه از محیط های کارگری است. موضوع فقط به این خلاصه نمی شود که کارفرمایان هنگام استخدام نیروی کار جدید، به این قبیل کارگران کار نمی دهند، بلکه با کارگران فعلاً شاغل نیز چنین خواهند کرد. اکثر کارگران ایران با قراردادهای موقت کار می کنند و کارفرما بعد از پایان مهلت، قرارداد کار با این گروه از کارگران را تمدید نکرده و آنان را اخراج خواهد کرد.

اگرچه آغاز کار و اجرای شاید آزمایشی دستورالعمل وزارت کار که در جایگاه یک نهاد جاسوسی امنیتی ظاهر شده است، عجتاً به سه استان خلاصه می شود اما هدف اصلی و نهایی وزارت کار و کل دستگاه پلیسی و سرکوب، شناسایی و تصفیه کامل و سراسری کارگران حرف زن، آگاه و پیشرو از محیط های کارگری است.

برنامه جدید وزارت کار و نهادهای امنیتی همست آن برای شناسایی و حذف کارگران پیشرو از محیط های کارگری درحالی است که ارتجاع حاکم و کل دستگاه پلیسی - جاسوسی آن در محیط های کارگری تاکنون نیز از راهها و ابزارهای گوناگونی بدین منظور استفاده نموده اند.

برگه عدم سوء پیشینه، از مدارک لازم و اولیه کار در محیط های کارگری است که کارفرما تا حدی در جریان سابقه کار کارگر قرار می گیرد. هسته های گزینشی که سالهاست وظیفه شناسایی نیروی کار را بر عهده دارند و اخیراً در جریان گسترش اعتصابات کارگری در صنعت نفت بسیار فعال تر شده اند نیز به همین کار مشغولند. افزون بر این از سالها قبل کنترل و حذف کارگران پیشرو از طریق تهیه لیست سیاه به ویژه در صنعت نفت به اجرا درآمده است. " بلک لیست" نیز نوعی اعمال سازمان یافته کنترل پلیسی و امنیتی و حذف کارگران پیشرو بوده که ارتجاع حاکم در سطح نسبتاً گسترده ای در استان خوزستان و کل صنعت نفت آن را به اجرا گذاشته است. کارگری که نام وی در این لیست قرار بگیرد نه فقط از شرکتی که در آن به کار مشغول بوده اخراج می شود بلکه هیچ شرکت دیگری نیز به این کارگر کار نمیدهد. علاوه بر تمام این موارد، حتی هیئت های حل اختلاف نیز که در اکثر موارد شکایات و اختلافات کارگر و کارفرما، طرف کار فرما بوده اند و برای مثال کارگر اخراجی موفق نشده به کار بازگردد و یا شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر که در محیط کار نقش خبرچینی و شناسایی کارگران پیشرو را بر عهده داشته اند، همگی در همین راستا وظایف خود را انجام داده اند.

اما گویا تمام این وسایل و ابزارهای کنترل، شناسایی و اعمال فشار بر کارگران پیشرو و طبقه کارگر برای حذف نیروی آگاه از محیط کار و خاموش ساختن کارگران کافی نبوده است. طبقه حاکم اکنون درصدد انجام یک اقدام به کلی کم سابقه پلیسی- فاشیستی بی شرمانه برآمده است که در تمام

جهان شاید نتوان نظیر آن را سراغ گرفت. اقدامی که تنها شاید با عملیات پلیسی - امنیتی راست ترین دولت ها و دیکتاتوری های آمریکای لاتین و رژیم فاشیستی هیتلری قابل قیاس باشد و یادآور تفتیش عقاید در قرون وسطی است.

دستور شناسایی کارگران و ماهیت پلیسی و مداخله جویانه نقشه و برنامه وزارت کار در زندگی کارگران و رسمیت دادن به جاسوسی دولتی به سود طبقه سرمایه دار چنان آشکار و رسواست که حتی اعتراض کارشناسان حقوقی را نیز برانگیخت و صدای سران تشکل های دولتی مانند خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را هم درآورد.

دستور العمل وزارت کار با هدف اصلی شناسایی، سرکوب و حذف کارگران پیشرو از محیط های کار، در همان حال ناظر بر دخالت آشکار در زندگی و مسایل شخصی و خصوصی کارگران و شکستن حریم خصوصی کارگران نیز هست. افشای مسایل و رازهای شخصی و خصوصی که حتی در قوانین بورژوازی نیز محرمانه محسوب می شوند. حفظ حریم خصوصی که تمام دولت های بورژوازی نیز ادعای رعایت آن را داشته اند در دستورالعمل وزارت کار زیر پا گذاشته شده است. رسوایی طرح وزارت کار چنان بزرگ و غیر قابل اختفاست که برخی کارشناسان حقوقی نیز آن را ناقض و متضاد "اصول اخلاقی" دانسته اند. در طرح رسوای وزارت کار، احترام ولو ظاهری به شخصیت هر فرد و خصوصیات و عقاید شخصی وی نیز به روشنی نقض شده است.

در مقاله نامه های سازمان بین المللی کار از جمله مقاله نامه شماره های ۸۱، ۸۷، ۱۵۲، ۱۵۸ بر حفظ حریم خصوصی کارگران، حق شکایت کارگران، حفاظت از کارگران شاکی و جلوگیری از تبعیض و اقدامات تلافی جویانه و امثال آن نیز تاکید شده است.

اما جمهوری اسلام یا وزارت کار آن گوششان بدهکار این حرفها نیست. واقعیت این است که ارتجاع حاکم از ناحیه مبارزات کارگری و جنبش طبقه کارگر احساس خطر می کند و یک سرکوب ویژه و سراسری را برای این طبقه تدارک دیده است.

پوشیده نیست که بعد از انتصاب مسعود پزشکیان به ریاست جمهوری، ابعاد و شدت سرکوب ها، گرچه بی سر و صدا، اما بیش از پیش افزایش یافته است. هیچ قشری از زحمتکشان و توده مردم از گزند ماشین سرکوب، برکنار نمانده است. صدور و اجرای حکم اعدام با شدت تمام ادامه دارد. تنها از اول تا بیست و پنجم دی ماه، ۱۰۵ نفر اعدام شده اند. در ماه ژانویه فقط در طرف دو هفته، دست کم ۴۶ نفر به جوخه مرگ سپرده شده اند. برای چندین زندانی سیاسی و عادی حکم اعدام صادر شده است. دستگیری و زندان و شکنجه مخالفین و معترضین ادامه دارد. فعالان تشکلهای صنفی تحت پیگرد دائمی قرار دارند. هم اکنون ۱۴ تن از فعالان تشکلهای صنفی معلمان در زندان هستند که اغلب به مجازات های شدید و حبس های دراز مدت محکوم شده اند. ده ها زن مبارز یا فعال حقوق زنان و کودکان نیز زندانی اند یا تحت پیگردهای دائمی

دستگاه امنیتی و قضایی قرار دارند. صدها کارگر پیشرو به اطلاعات سپاه احضار شده و مورد ارباب و بازجویی قرار گرفته اند. شمار احضاریه ها و بازداشت ها و تهدیدها در دو سه ماه اخیر به ویژه در صنعت نفت آشکارا فزونی یافته است. تعداد زیادی از کارگران پیشرو اخراج شده و شمار دیگری نیز در صف اخراج اند. در بیکارسازی های وسیع ناشی از تعطیل واحدهای تولیدی نیز شماری از کارگران پیشرو اخراج شده و کار خود را از دست داده اند.

تردیدی نیست که جمهوری اسلامی به ویژه پس از شکستهای پی در پی در عرصه سیاستهای خارجی و منطقه ای، از برآمد جنبش های اعتراضی و توده ای در وحشت به سر می برد. با اینهمه جمهوری اسلامی خوب میداند که خطر اصلی در کجاست. ارتجاع حاکم نیک میداند که ضربه ای کاری و اصلی از کجا بر آن وارد خواهد شد. جایگاه، مکان، موقعیت و توان طبقه کارگر را می شناسد و برای پیشگیری از فرود آمدن ضربه اصلی از این ناحیه، طرح و برنامه ریخته است. اعتصابات و تجمعات کارگری چنانکه در مبارزات کارگران صنعت نفت شاهد بوده ایم، درحال افزایش و گسترش است. اتحاد و همبستگی در صفوف این کارگران رشد و ارتقا یافته است. اعتراضات سراسری چندین هزار کارگر ارکان ثالث شاغل در مجتمع گاز پارس جنوبی، پالایشگاه گاز فجر جم، شرکت نفت و گاز گچساران و برخی دیگر از مراکز نفت و گاز توأم با شعارها و راه پیمایی های اعتراضی نشان از همبستگی بیشتر، اتحاد وسیع تر و سازمان یافتگی بیشتر این مبارزات داشته است که در ادامه، قطعاً فرازهای عالی تری را در راستای سازمانیابی بازم بیشتر و مؤثرتر جنبش طبقه کارگر خواهد گشود.

گفتن ندارد که با ادامه و گسترش این اعتراضات و مبارزات کارگران صنعت نفت، آینده هولناکی در انتظار جمهوری اسلامی است که از همین حالا و در حال حاضر نیز آینده اش به قدر کافی تیره و تار هست. پس تأدیر نشده یا تا بیش از این دیر نشده باید دست به اقدام بزند و خطر اصلی و مرکزی را دفع کند.

دستورالعمل و اقدام وزارت کار یک اقدام پلیسی شنیع و بیرشمانه در همین راستا و در اساس برای پیشگیری از اعتراضات گسترده تر کارگری است که باید در برابر آن محکم ایستاد.

موضوع فقط این نیست که با اجرای این طرح و دستور العمل، کارگران پیشرو از کار و استخدام محروم می شوند، موضوع فقط این هم نیست که کارگران فعلاً شاغل نیز از کار اخراج و از محیط کار حذف می شوند، موضوع این هم هست که با اجرای این طرح، بر کارگران شاغل باقی مانده نیز نوعی سکوت و تسلیم تحمیل می شود. موضوع این است که کارگران از حق هرگونه اعتراضی محروم و با کمترین واکنش اعتراضی اخراج می شوند.

این طرح به غایت پلیسی - امنیتی و پروژه شناسایی و حذف کارگران پیشرو از محیط کار که ادبیات اداری و جمله پردازی وزارت کار نتوانست بر آن سرپوش بدارد، چنان عیان است که برخی آن را طرح ستاره دار کردن کارگران نامیدند. اما واقعیت این است که موضوع بسیار فراتر از ستاره دار کردن چند کارگر پیشرو است. ابعاد این اقدام بسیار وسیع است. هدف، قلع و قمع کارگران پیشرو

## گزارشی کوتاه از برگزاری آکسیون، علیه حکم اعدام پخشان عزیزی و دیگر زندانیان سیاسی



فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند

برابر فراخوان کمیته هماهنگی، افراد و نیروهای چپ انقلابی و کمونیست متشکل از فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند، حزب کمونیست ایران/ کومله - کمیته هلند، بخشی از نیروهای چپ انقلابی و کمونیست - هلند و اتحاد سوسیالیستی کارگری - هلند، آکسیونی علیه احکام اعدام پخشان عزیزی و دیگر زندانیان سیاسی در ۱۸ ژانویه در میدان شهر آمستردام در هلند برگزار شد. فعالین سازمان فعالانه در سازمان‌دهی و تجمع امروز شرکت داشتند. در تجمع و آکسیون، پیام کمیته هماهنگی به زبان فارسی، انگلیسی و کردی خوانده شد. اطلاعات به زبان فارسی و انگلیسی پخش شد. در هوای سرد و زمستانی طرح‌ها و عکس و پلاکاردها و موزیک و ترانه سرود موردتوجه مراجعین و رهگذران در میدان دام آمستردام بود. همزمان در کنار آکسیون امروز ما در میدان دام، آکسیونی در حمایت از جنبش فلسطین نیز برگزار شد.

از صفحه ۶

## وزارت کار؛ تفتیش عقاید و تصفیه سراسری کارگران پیشرو

در عین حال به ارتجاع حاکم و وزارت کار آن که خام خیالانه برای طبقه کارگر چنین نسخه‌هایی می‌پیچند باید این نکته را یاد آوری کرد که زمان برای طرح و بخصوص اجرای چنین ترفندهایی به منظور پیشگیری از مبارزات کارگری بسیار دیر شده است. مبارزات کارگران، تجمع‌ها و اعتصاب‌های کارگری را نمی‌توان با این شگرد‌ها مهار کرد. نه مبارزات گسترش‌یافته کارگری و نه انقلاب کارگری با این قبیل اقدامات پلیسی و سرکوبگرانه مهار شدنی نیستند. این مبارزات و انقلاب کارگری که از هم اکنون بر پیکر نحیف ارتجاع درهم شکسته و درحال احتضار، ترس و وحشت انداخته است، قلعه ارتجاع و سرمایه را درهم خواهد کوفت و به گورستانش خواهد سپرد.

و کوتاه کردن دست این کارگران از محیط‌های کارگری است. هدف، حاکم نمودن یک سکوت قیروستانی بر محیط‌های کارگری است. هدف، "پاکسازی" گسترده کارگران پیشرو- گسترده‌تر از تمام موارد پیشین- در مقیاس تمام کشور است. هدف، شناسایی تمام کارگران آگاه، شاکی، فعال و معترض است. هر کارگری که قبلاً شکایتی داشته یا اعتراضی نموده باشد یا در یک تجمع و اعتصاب از حق و حقوق رفقای خود دفاع کرده باشد باید تصفیه شود!

از اینرو با تمام توان باید در برابر این طرح ارتجاعی - امنیتی و ضد کارگری وزارت کار ایستاد و با اعتراض وسیع، این وزارت‌خانه را از اقدام خودش به سختی پشیمان ساخت.

از صفحه ۵

## دیپلماسی سری و قرارداد ۲۰ ساله جمهوری اسلامی با روسیه

سری و آگاهی عموم مردم از تمام مباحثات، مذاکرات، عقد قراردادهای و بیمان‌ها با دولت‌های دیگر، خواسته شده است. توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران برای آن‌که از خطرات و فجایع سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی نیز نجات یابند، راه دیگری جز سرنگونی این رژیم و به دست گرفتن قدرت سیاسی در یک حکومت شورایی ندارند.

ملغی سازد، چراکه نفعش در حفظ دیپلماسی سری و در ناآگاهی نگه‌داشتن توده مردم است. تنها در حکومت شورایی کارگران و زحمتکش‌ان است که دیپلماسی سری می‌تواند ملغی شود. از همین روست که در برنامه سازمان فدائیان (اقلیت) در بخش مربوط به سیاست خارجی علاوه بر " لغو کلیه قراردادهای اسارت‌بار و خلاف منافع توده‌های مردم ایران و ائتشاء مفاد آن‌ها برای آگاهی عموم مردم، لغو رسم دیپلماسی

## یکسال و سه ماه و دوازده روز در غزه

شکست حزب‌الله، سقوط بشار اسد، ضعف شدید جمهوری اسلامی به‌عنوان حامی اصلی حماس، تضعیف موقعیت حشد الشعبی در عراق و حوثی‌ها در یمن، راه دیگری برای حماس باقی نگذاشته بود جز تن دادن به این توافق. در ادامه مذاکرات نیز اگرچه دشواری‌های زیادی وجود دارد، باز به نظر نمی‌رسد که قدرت چانه‌زنی زیادی برای حماس باقی مانده باشد.

واقعیت مهم دیگر این است که غزه ویران شده است. براساس آمارهای رسمی بیش از ۴۶ هزار نفر در غزه جان خود را از دست داده‌اند. هفته‌نامه پزشکی معتبر "لانست" براساس تحقیقات پژوهشگران بریتانیایی آمار کشته‌شدگان را بسیار بیشتر از آمارهای رسمی دانسته است. براساس این پژوهش از هفتم اکتبر تا ۳۰ ژوئن (۱۰ تیر) یعنی کمتر از ۹ ماه حدود ۶۴ هزار و ۲۶۰ فلسطینی متأسفانه جان باخته‌اند. براساس اعلام دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۷۰ درصد کشته‌شدگان زن و کودک هستند. اسرائیل اما بدون ارائه مدرک مدعی شده است که ۱۷ هزار شبه‌نظامی فلسطینی را به قتل رسانده است.

براساس تحقیقات سازمان ملل حدود ۷۰ درصد از کل ساختمان‌های غزه ویران شده‌اند. تنها آوار برداری ویرانه‌ها که بالغ بر ۴۲ میلیون تن است، سال‌ها به طول می‌انجامد. ۱۳۶ مدرسه و دانشگاه، به‌کلی ویران شده‌اند. بازسازی غزه نیازمند بیش از ۲۰ میلیارد دلار است.

ابعاد گسترده‌ی ویرانی و کشتار، آلام و درد و رنج مردم ستم‌دیده غزه وصف‌شدنی نیستند. مردم فلسطین این نبرد را انتخاب نکرده بودند، کسان دیگری (حماس و جمهوری اسلامی) به جای آن‌ها تصمیم گرفتند و کسان دیگری (دولت اسرائیل) از این فرصت برای ویرانی غزه بهره بردند. بنابراین تنها راه برای مردم فلسطین این است که خود سرنوشت خویش را در دست بگیرند و نگذارند دیگران به جای آن‌ها تصمیم بگیرند. مردم فلسطین با اتحاد و متشکل شدن در شوراهای منتخب خود می‌توانند یکپارچه برای تحقق خواست‌های خویش گام به پیش بگذارند و این‌گونه نگذارند که دیگران به نام آن‌ها، این فجایع را به مردم ستم‌دیده فلسطین تحمیل کنند. زنده باد فلسطین.

هیچ نقشی در تهیه و انعقاد آن‌ها نداشته‌اند. بنابراین از هم‌اکنون بی‌اعتباری آن‌ها را اعلام می‌کنند و در اولین فرصتی که نظم حاکم را سرنگون کنند، تمام قراردادهایی را که مغایر منافع مردم ایران‌اند، لغو خواهند کرد. اما آنچه برای جلوگیری از تکرار چنین شرایطی لازم است، لغو دیپلماسی سری است تا مردم از تمام مذاکرات و توافقات آگاهی داشته باشند. هیچ دولت سرمایه‌داری نمی‌تواند دیپلماسی سری را

## وزارت کار؛ تفتیش عقاید و تصفیه سراسری کارگران پیشرو

هفته گذشته، نامه بسیار عجیبی از طرف وزارت کار انتشار یافت. این نامه که تاریخ آن ۲۹ آذر ۱۴۰۳ قید شده است و امضای کمال رضوی "مدیر کل حوزه وزارتی" به نمایندگی از وزیر کار پای آن است، خطاب به معاون روابط کار و مدیر کل کار استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل و خراسان جنوبی نوشته شده، حاوی دستور العملی چنان گستاخانه و بیشرمانه است که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را در جایگاه یک نهاد بیواسطه پلیسی-امنیتی سرکوبگر و بالاتر از آن در جایگاه یک دستگاه جاسوسی و مداخله گر در زندگی حتی خصوصی کارگران قرار می‌دهد. نامه، در همان حال از نیت شوم طبقه سرمایه‌دار حاکم و رژیم سیاسی این طبقه پرده برمی‌دارد.

در نامه یا دستور العمل وزارت کار چنین می‌خوانیم:

"یکی از شیوه‌هایی که به احقاق حقوق متقابل میان کارگران و کارفرمایان و تسهیل تعامل کاری منجر می‌شود، اطلاع طرفین از سوابق کاری یکدیگر از حیث کمیت ثبت شکایت علیه طرف مقابل است. اطلاع نیروی کار از تعداد شکایاتی که سابق بر این کارگران علیه کارفرمای معینی ثبت کرده‌اند یا تعداد شکایاتی که کارفرمای مذکور علیه کارگران دیگر ثبت کرده، به او کمک می‌کند تا در انتخاب کارفرما آگاهانه‌تر عمل کند. همچنین اطلاع کارفرما از تعداد شکایاتی که کارگر معینی از سایر کارفرمایان داشته یا کارفرمایان از او داشته‌اند، می‌تواند به انتخاب بهتر نیروی کار توسط

کارفرما منتهی شود" بخش عمده‌ی این نامه کوتاه و عبارتی از نمونه "احقاق حقوق مقابل کارگران و کار فرمایان"، "اطلاع طرفین از سوابق کاری یکدیگر" و اینکه اطلاعات از کارفرما به کارگر کمک می‌کند تا در "انتخاب کارفرما آگاهانه‌تر عمل کند" تماماً حرفهای پوچ و بیهوده‌ای است به قصد اینکه شاید بتوان هدف اصلی را در پس آن استتار کرد. این جمله پردازی‌های اداری بی ارزش که هیچ کارگری را فریب نخواهد داد، در اساس در حکم مقدمه ایست برای بیان اصل موضوع که در سطر آخر این نقل قول خلاصه و بیان شده است. "اطلاع کارفرما از تعداد شکایاتی که کارگر معینی از سایر کارفرمایان داشته یا کارفرمایان از او داشته‌اند، می‌تواند به انتخاب بهتر نیروی کار توسط کارفرما منتهی شود!"

دستور العمل به طور مشخص این است که باید لیست کاملی از اسامی کارگران معترض، کارگرانی که نسبت به کارفرما شکایت و اعتراض داشته‌اند و یا البته کارگرانی که کارفرمایان از آنان شاکی و ناراضی بوده‌اند تهیه شود. باید پرونده کاملی از سابقه کار کارگرانی که در جمع‌ات و اعتراضات و دیگر اشکال اعتراض کارگری نقش فعالی داشته‌اند یا منافع و خواسته‌های کارگری را پیگیری و از آن دفاع نموده‌اند توسط ادارات کار گردآوری شود. در یک کلام، هدف اصلی، شناسایی کارگران پیشرو و تهیه لیست کاملی از اسامی آنهاست. مطابق دستور العمل وزارت کار، این اطلاعات

در صفحه ۶

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)  
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان  
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1105 January 2025



tvshorashora@gmail.com

### تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای  
زحمتکش و ستم دیده‌ای است که برای  
آزادی و سوسیالیسم بیکار می‌کنند

### بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه‌های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره پاه ست پخش می‌کند.

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید.  
مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.  
مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

#### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی